

الگوهای دانش‌بنیانی، دانش بومی، گامی به سوی توسعه بومی‌سازی و توانمندسازی روستایی

سهیلا مناجاتی* و سیدناصرحسین واعظ

شرکت ملی گاز ایران، منطقه دو عملیات انتقال گاز

چکیده. دانش سنگ بنای توسعه است ولی متأسفانه دانش بومی تا این اواخر مفاهیم «واپسگرایی» و «ایستایی» را به ذهن‌ها متبادر می‌نمود که آن هم ناشی از افکار و رویکردهای نوسازی و رهیافت‌های انتقال فن‌آوری کشورهای در حال توسعه بوده است. توسعه‌ی روستایی باید با شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه سازگار باشد. تحقق توسعه روستایی، گامی در جهت خودکفایی و بهبود وضعیت جامعه روستایی است. بنابراین توجه به زمینه‌های بومی لازم است. مقاله حاضر یک مطالعه بنیادی و کتابخانه‌ای برای معرفی دانش بومی به عنوان بستری مناسب برای بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی و به این موضوع پرداخته شده که با مد نظر قرار دادن دانش بومی و ویژگی‌های آن مانند کل نگر، انباشتی، پویا و عجین با فرهنگ یک قوم و نیز کاربرد عملی آن نه تنها توسعه‌ی روستایی منطبق با شرایط محلی یک اجتماع است بلکه می‌توان به توسعه‌ی درون‌زا دست یافت. روستاییان نیز در سایه‌ی ارائه‌ی دانش و تجارب خود می‌توانند از نتایج توسعه‌ی همه‌جانبه بهره‌مند شوند. ضمن اینکه به توانمندسازی روستاییان به جای وابستگی صرف می‌انجامد، در آنان احساس امنیت، کارآمدبودن، اثرگذار بودن، ارزشمند بودن و برخورداری از حق انتخاب ایجاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اشتغال خانگی، روستایی، آموزش ترویج، راهکار، توانمندسازی، توسعه پایدار.

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات
دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۳، پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۶.

۱- مقدمه

دستیابی به معیشت بهینه و ارتقای کیفیت زندگی از اهداف اساسی برنامه ی توسعه ی روستایی است. اما ممکن است تمام این برنامه ها به دلایل مختلفی به اهداف مورد نظرشان دست نیابند. یکی از دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه ی توسعه ی مسأله ی میزان کاربرد منابع محلی و مشارکت بومیان در طول اجرای طرح است. همچنین توجه به بومی سازی پروژه های توسعه ی روستایی باعث شده که نظریه پردازان توسعه نگرش به فرآیند توسعه را تغییر دهند و رویکردهای توسعه ای را با ظرفیت ها و امکانات هر منطقه ای منطبق سازند.

در رویکردهای اولیه به توسعه، دانش بومی اصولاً یک مانع ناکارآمد به حساب می آید و کاربرد آن نتیجه ای جز عقب افتادن از مسیر توسعه را در بر ندارد. برنامه ریزان توسعه که رویکردهای توسعه را بدون توجه به دانش بومی به کار برده اند با بسیاری از مشکلات و مسایل غیر منتظره رو به رو شده اند؛ چون موفق به کسب نتایج مثبت و مورد نظر نشده اند. در واقع نتایج توسعه با شکست مواجه شدند. همین امر دیدگاهها را به امکانات بومی سوق داد و توجه به دانش بومی مورد تأکید قرار گرفت.

تجربه های برخاسته از اجرای طرح های توسعه ی روستایی حاکی از آن است که فناوری های به کار گرفته در آن ها عموماً برای مدت کوتاهی دوام آورده اند؛ زیرا این تکنولوژی ها در خارج از روستا تعبیه شده و به نوعی به جامعه ی روستایی تزریق شده است و با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی روستا، ناکارآمدی تکنولوژی های وارداتی محسوس است. لذا برای افزایش جنبه های کاربردی تر فناوری های توسعه ای، توجه و استفاده از دانش بومی اجتناب ناپذیر است. زیرا این دانش منشأ محلی - فرهنگی داشته و با زیست بوم منطقه سازگار است و چون طی تجارب و در طول زمان ایجاد شده، قابلیت درک از سوی بومیان را دارد و کاربرد عملی آن یک نوع حق انتخاب را برای بومیان قائل می شود. این نوع دانش کاربر بوده و از روش های سرمایه بر بیرونی با صرفه تر است. بنابراین اهمیت دانش بومی و دسترسی به توسعه روستایی با خاستگاه محلی اجتناب غیر قابل انکار است.

شکست علوم و تکنولوژی های نوین در زمینه تحقق توسعه بعد از سال ها فعالیت تحقیقی و ترویجی در زمینه ی توسعه ی روستایی در کشورهای در حال توسعه سبب شد تا

اکثر صاحب نظران، متخصصان و دانشمندان به این واقعیت معترف شوند که تحقق توسعه و همه جانبه بودن آن بدون در نظر گرفتن دانش بومی جوامع محلی و دخالت بومیان و روستاییان در فرایند توسعه غیر ممکن است. دانش بومی نسبت به دانش فنی دارای دو مزیت است:

- ۱- بدون هزینه و به سادگی در دسترس است .
 - ۲- از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است و به محیط زیست سازگاری دارد و حداقل خطر را برای تولیدکنندگان روستایی در بر دارد [۱۰].
- کاربردی بودن دانش بومی بر این نکته تأکید دارد که تلاش برای گردآوری آن، یک فعالیت صرفاً دانشگاهی نیست؛ بلکه مشخصاً برای حل مسائل و مشکلات فرا روی بشری آغاز شده است . وابستگی و سازگار بودن دانش بومی به خاستگاه جغرافیایی آن اشاره دارد؛ یعنی برای حل مسائل توسعه ی یک کشور، کاوش و بررسی علمی دانش بومی آن سرزمین الزامی است [۲].
- یکی از چالش های روستایی، دستیابی به اهداف توسعه ای با صرف هزینه های کمتر و با نتایج مثبت در درازمدت است. چگونه می توان یک طرح توسعه ای با صرفه و بهینه را در سطح روستاها پیاده کرد به گونه ای که پیشرفت حاصل شود، روستاییان راضی باشند و نیز با قدرت بخشی و توانمندی آنان، حفاظت از توسعه را تضمین کرد؟ سوالاتی که در این مطالعه به آن ها پرداخته می شود از این دست است و همچنین : توسعه روستایی چیست؟ چه نوع دانش را بومی می نامند؟ چگونه کاربرد آن به توانمندسازی روستاییان منتهی می شود؟ بومی سازی توسعه روستایی چگونه به دست می آید و چه نتایجی را به بار می آورد؟

۲- روش تحقیق

مقاله ی حاضر از نظر هدف بنیادی است. تحقیق بنیادی عبارت است از کار تئوری یا تجربی که بیش تر به منظور کسب دانش و دسترسی به اصول ریشه ای پدیده ها و حقایق قابل کشف انجام می شود. تحقیقات بنیادی به آن بخش از تحقیقات گفته می شود که ماحصل نتایج آن، مبنای توسعه ی جوامع بشری محسوب می شود. نتایج حاصل از این پژوهش ها به صورت علم است و وارد حوزه ی کاربرد نشده است [۷]. اما در آینده

توانایی و قابلیت استفاده برای اهداف کاربردی در پژوهش های علمی به لحاظ فراهم آوردن چارچوب و بستری برای آنها را دارد. روش جمع آوری اطلاعات به شیوه ای کتابخانه ای و اسنادی است؛ به گونه ای که با مطالعه ی اسناد دست اول، آثار منتشر شده در کتب، مجلات و نیز مطالب قابل دسترس در اینترنت در زمینه های دانش بومی، توسعه ی روستایی و توانمندسازی به بررسی ارتباط میان این مفاهیم با یکدیگر در راستای تحقق بومی سازی توسعه ی روستایی پرداخته ایم. به طور کلی بومی سازی طرح های توسعه ی روستایی، کاربرد دانش بومی و در نهایت توانمندسازی مردمان محلی مقولات اصلی این مقاله هستند و به این موضوع پرداخته ایم که چگونه می توان با کاربرد عملی و تلفیق منابع محلی در پروژه های توسعه ی روستایی، قدرت بخشی و توانایی جامعه ی محلی را در ساماندهی اجتماعات خود موجب شد. از مطالبی که در این مقاله ذکر شده است، می توان به عنوان پایه و اساسی به ویژه برای مبانی نظری در مطالعات علمی و پژوهشی استفاده کرد.

اهداف موردنظر در این مقاله عبارتند از:

- ۱- آشنایی با مفهوم دانش بومی
- ۲- تعریف توسعه روستایی
- ۳- تعریف توانمندسازی و ابعاد آن
- ۴- و در نهایت رویکرد بومی سازی برنامه های توسعه ی روستایی چه نتایجی به بار می آورد.

۳- مبانی نظری تحقیق

رویکرد نظری مقاله مبتنی بر دیدگاه های مربوط به دانش بومی، توسعه ی روستایی و توانمندسازی است که اخیراً در مباحث توسعه روستایی بیش تر مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۱- دانش بومی چه نوع دانشی است؟

روستاییان دارای دانشی هستند که تحت عنوان دانش بومی^۱ شناخته می شود. تعاریف متعددی از دانش بومی شده اس. بنا بر نظریات رابرت چمبرز دانش بومی در اصطلاح به دانشی اطلاق می شود که از حوزه ی جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به طور طبیعی

تولید شده باشد [۵]. به عقیده ی وارن [۲۳] و فلاویر [۱۷] دانش بومی (IK)، دانشی محلی و خاص یک فرهنگ یا جامعه ی معینی است که پیوسته تحت تأثیر تجارب درونی اجتماع و همچنین در نتیجه ارتباط با نظام های بیرونی از خلاقیت و نوآوری برخوردار بوده است. گیرتز [۱۸] نیز در کتاب خود به نام «دانش محلی»، دانش بومی را به عنوان دانشی کاربردی، جمعی و عمیقاً ریشه گرفته از یک مکان خاص تعریف می کند. دانش محلی زمینه ای، کل نگر و منطبق با محیط است و به صورت غیر رسمی انتشار پیدا کرده است [۱۹]. مهم ترین ویژگی دانش بومی عبارتند از:

۱. بر پایه تجربه استوار است؛
 ۲. در طول قرن ها با کار بر روی آن مورد آزمون قرار گرفته و جنبه ی کاربردی پیدا کرده است؛
 ۳. با محیط و فرهنگ بومی سازگار است؛
 ۴. پویا و در حال دگرگونی است [۲].
- سایر ویژگیهای دانش بومی عبارتند از: سازگاری با نیروی کار فراوان و تقاضای کم برای سرمایه، پویایی، سازگاری کامل محلی، پذیرش نظام های تولید متنوع، تأکید بر بقایای منابع و پرهیز از ریسک، تصمیم گیری منطقی، راهبردهای انعطاف پذیر برای موارد اضطراری، مبتکرانه و هوشمندانه برای چند محصول، آمیزش و استخراج کامل روش های تولیدی با نهادهای اجتماعی، انعطاف پذیری و قابلیت آفرینی بالا. همچنین آینده نگری، سازماندار بودن، همه پسندی، مشارکتی بودن، استفاده از توانایی عمومی، سازگاری عملیات با طبیعت و خود تنظیمی از ویژگی های دانش بومی است [۴].

واربورتن^۲ و مارتین^۳ سه رویکردی که به دانش محلی در تحقیقات توسعه وجود داشته است را مقوله بندی کرده اند:

- رویکرد انتقال به تکنولوژی؛ در این مدل دانش محلی به دلیل آن که ناکارآمد و نامرغوب است نادیده گرفته می شود. در این الگو جریان دانش یک طرفه است و کلاً از دانش علمی گرفته می شود.
- رویکرد بازدهی و کارآیی فنی دانش بومی؛ که اصطلاحاً دانش فنی بومی گفته می شود و محققان این موضوع که مردم بومی چگونه و به چه تکنیک هایی از منابع طبیعی استفاده می کنند را مدنظر قرار داده اند.

– رویکرد سوم یک دید کل نگر به دانش مردم بومی دارد که شامل هر دو جنبه ی فرهنگی و فنی می شود و باز شناختن دانش فنی محلی با دانش اجتماعی و سیاسی پیوند یافته است.

۲-۳- توسعه ی روستایی چیست؟

توسعه ی روستایی^۴ به عنوان یک مفهوم و ایده، نوعی عمران و بهبود سطح زندگی روستاییان است که شامل توسعه ی منابع طبیعی با تأکید بر فعالیت های مرتبط با آن، توسعه ی صنایع روستایی از جمله صنایع دستی و صنایع تبدیلی، توسعه و تجهیز منابع انسانی و تلاش مستمر در راستای بهسازی فضای اجتماعی، اقتصادی زندگی روستایی می شود [۱۲]. توسعه ی روستایی یک استراتژی است که گروه خاصی از مردم (زنان و مردان فقیر روستایی) را قادر می سازد تا آنچه را برای خود و فرزندانشان می خواهند یا لازم دارند، به دست آورند. به این ترتیب توسعه ی روستایی شامل کمک به فقیرترین مردمی است که در نقاط روستایی به دنبال امرار معاش اند و خواستار کنترل بیش تری بر منافع توسعه هستند [۵].

توسعه روستایی به نوین سازی جامعه ی روستایی می پردازد و آن را از یک انزوای سنتی به جامعه ای تغییر خواهد داد که با اقتصاد ملی عجین شده است. توسعه ی روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی قشرهای فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است. فرایندی که با بهره گیری از ساز و کارهایی چون برنامه ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می کند که در آنها قدرت، توان و اختیار بهره گیری از قابلیت ها منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه ی آن بتوانند وضعیت موجودشان را مناسب و مطلوب تر تغییر دهند [۱]. از نظر کُپ^۵ توسعه ی روستایی فرایندی است که از طریق کوشش های جمعی در پی بهبود در بهزیستی و خودیابی مردمی است که در خارج از مناطق شهری زندگی می کنند. هدف توسعه ی توسعه ی روستایی باید گسترش دامنه ی فرصت های برابر برای مردم روستایی باشد [۲۰].

۳-۲-۱- راهبرد توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستایی

از میان راهبردهای متعدد در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی، به راهبرد توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستایی که در دهه‌ی هشتاد وارد مطالعات توسعه شد، اشاره می‌شود؛ چرا که به نظر می‌رسد بیشترین پیوند را با مباحث مطرح شده در این مطالعه دارد. این راهبرد متضمن مجموعه‌ای از چشم‌اندازهایی است که غالباً از نظر ذهنی و ایدئولوژیکی متضاد بودند و تحت تأثیر ظهور تفکر سیستمی نیز هست و معتقد است آن چنان که پیامدهای توسعه و توسعه نیافتگی روستایی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارند، برای تحقق توسعه یافتگی روستایی نیز باید به زمینه‌ها و عوامل مختلفی که با یکدیگر در تعامل هستند توجه کرد. در قالب این رویکرد بر سازماندهی روستایان و بسط سازمان‌های محلی، که دارای کارکردهای عدیده‌ای چون ارائه‌ی ساز و کاری برای دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی، توسعه‌ی ارتباطات دو سویه، گسترش خدمات، بسیج منابع محلی که دانش بومی در این مقوله جای دارد، افزایش آگاهی، نظارت بر دیوان سالاری محلی و توسعه‌ی توانمندی‌های رهبری محلی هستند، تأکید می‌گردد و با در نظر گرفتن نوعی جامع‌نگری نسبت به وضعیت و ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاها و ارتباط ارگانیک روستاها با سایر بخش‌های شهری و منطقه‌ای و بهره‌گیری از زمینه‌های بومی و سنتی برای توسعه روستایی در قالب تقویت ابتکارهای محلی تلاش می‌شود [۱].

راهبرد توسعه‌ی همه‌جانبه یک حالت چند منظوره و کل‌گرایانه دارد. این راهبرد بر اهداف زیر تأکید دارد:

۱. بهبود در استانداردهای زندگی و تأمین نیازهای اساسی،
۲. مولد ساختن مناطق روستایی و برقراری ارتباط اقتصادی میان بخشی در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی؛
۳. تقویت روحیه‌ی خوداتکایی و مشارکتی در روستایان،
۴. تقویت استقلال محلی از طریق تمرکززدایی [۱].

۳-۳- معنای توانمندسازی چیست؟

به نظر چمبرز توانمندسازی^۶ یعنی مردم به ویژه مردم فقیر توانایی این را می یابند که کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند و با در دست داشتن دارایی های مولد، به منزله ی عناصری اساسی، بهتر امرار معاش کنند [۵]. توانمندسازی موجب تغییراتی در ساختار ذهنی روستاییان می شود با این توضیح که روستایی توانمند دیدی مثبت به کارها دارد، ریسک پذیر است، انعطاف پذیر است، کارگروهی را بر کار فردی ترجیح می دهد، همیشه در حال یادگیری است، در انجام کارها مصمم است، سعی می کند تحدیدات را به فرصت ها تبدیل کند [۸].

۳-۳-۱- رویکردهای توانمندسازی

الف) رویکرد مکانیکی (ارتباطی): براساس این دیدگاه، توانمندسازی به معنای تفویض اختیار و قدرت از بالا به پایین، همراه با مرزها و محدودیتهای روشن و پاسخگویی دقیق است که کنترل مدیریتی را افزایش می دهد. در این رویکرد توانمندسازی فرایندی است که طی آن مدیریت ارشد یک بینش روشن تدوین و برنامه ها و وظایف معین برای نیل به آن در سازمان ترسیم می کند. او اطلاعات و منابع مورد نیاز برای انجام وظایف را برای کارکنان فراهم می کند و اجازه می دهد تا آنان در صورت نیاز تغییرات رویه ای و اصلاح فرآیندها را انجام دهند. در این رویکرد نتایج کار و فعالیت بیش تر تحت کنترل مدیریتی باشد. به طور خلاصه در این رویکرد توانمندسازی یعنی تصمیم گیری در یک محدوده ی معین [۱۱].

ب) رویکرد ارگانیکی (انگیزشی): این رویکرد دیدگاهی از پایین به بالاست. به ایجاد و افزایش انگیزه و مشارکت در افراد تأکید دارد و کنترل را کاهش می دهد براساس این رویکرد توانمندسازی برحسب باورها و تجارب شخصی افراد تعریف می شود. برطبق این دیدگاه، افراد دارای دانش، مهارت و ویژگی هایی هستند که در صورت کاربرد آن می توان به نتایج بهتری رسید.

بنابراین کنترل صرف از سوی مافوق مدنظر نیست، بلکه به زیردستان آزادی عمل و قدرت تصمیم گیری نیز داده می شود.

۳-۲- ابعاد توانمندسازی

اسپریتزر^۷ (۲۰۱۲) چهار بُعد برای توانمندسازی برشمرده است که بُعدها براساس مطالعات میشر^۸ (۲۰۱۴) یک بُعد دیگر نیز به آن افزوده شده و پنج بُعد کلیدی توانمندسازی شکل گرفت که عبارتند از:

الف. احساس خوداثربخشی^۹ یا شایستگی^{۱۰}: [یا احساس خود کارآمدی که به معنای اعتقاد فرد به مهارت‌ها و توانایی‌های خویش برای انجام امور است]. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خوداثربخشی می‌کنند یا احساس می‌کنند قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند. افراد توانمند شده نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با کفایت انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی^{۱۱} می‌کنند و معتقدند که می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد یابند. بعضی از نویسندگان، بر این باورند که این ویژگی، مهم‌ترین عنصر توانمندسازی است؛ زیرا داشتن احساس خوداثربخشی تعیین می‌کند که آیا افراد برای انجام دادن کاری دشوار، خواهند کوشید و پشتکار خواهند داشت یا خیر؟ [۱۵]. باندورا (۲۰۱۷) سه شرط زیر را برای احساس خوداثربخشی افراد پیشنهاد می‌کند:

- باور به این که توانایی انجام کار را دارند.

- باور به این که ظرفیت به کار بستن تلاش لازم را دارند.

- باور به این که مانعی خارجی آن‌ها را از انجام کار موردنظر باز نخواهند داشت [۱۶].

ب. احساس خودسامانی^{۱۲}: [به احساس انتخاب شخصی و درستی حق انتخاب اشاره دارد] هنگامی که افراد به جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسامانی می‌کنند. آنان خود را افرادی خودآغازگر می‌بینند که قادرند به میل خود، اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیمات مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگذارند [۲۱]. افراد توانمند در مورد کارهایشان احساس مالکیت می‌کنند؛ زیرا آنان می‌توانند تعیین کنند که کارها چگونه باید انجام شوند و با چه سرعتی پایان یابند. داشتن حق انتخاب، جزء اصلی خودسامانی به شمار می‌رود.

ج. پذیرفتن شخصی نتیجه^{۱۳}: (احساس توان تأثیرگذاری یا موثر بودن) افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تأثیر قراردادن محیطی که در آن کار می‌کنند، یا نتایجی که تولید می‌شود، تغییر ایجاد کنند.

پذیرفتن شخصی نتیجه، عبارت است از اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در زمینه ی توانایش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب. داشتن احساس پذیرفتن شخصی نتیجه، کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است برای اینکه افراد احساس توانمندسازی کنند، آنان نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می دهند اثری به دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند که می توانند آن اثر را به وجود آورند؛ یعنی برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندسازی همراه باشد، آنان باید احساس کنند که کنترل نتیجه ی تولید یا خدمت ارائه شده را در دست دارند [۱۵].

د. معنی دار بودن^{۱۴}: (احساس ارزشمند بودن) افراد به هنگام اشتغال به کاری که احساس می کند معنی دار است، نسبت به زمانی که این احساس پایین است، بیش تر به آن متعهد می شوند، بیش تر درگیر آن می شوند و نیروی زیاده تری برای آن کار متمرکز می کنند. افراد به علت اینکه کار معنی دار، با احساس اهمیت شخصی و خودارزشی آنان همراه است در اشتغال بدان هیجان و شوق بیش تری دارند. هم چنین افرادی که با احساس معنی دار بودن شغل، توانمند شده اند، نوآورتر و بر رده های بالاتر تأثیر گذارتر هستند [۱۵].

ه. اعتماد^{۱۵}: سرانجام افراد توانمند دارای حسی به نام اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه^{۱۶} و یکسان رفتار خواهد شد این افراد، این اطمینان را حفظ می کنند که حتی در مقام زیردست نیز نتیجه نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود. معمولاً معنی این احساس، آن است که آنان اطمینان دارن که صاحبان قدرت به آنان آسیب یا زیان نخواهند زد و با آنان بی طرفانه رفتار خواهد شد. به بیان دیگر، اعتماد به معنی داشتن احساس امنیت شخصی است. اعتماد همچنین به طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب پذیری قرار می دهند. با این همه، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه ی آن اعتماد متوجه آنان نخواهد شد [۱۵].

۴- بحث و بررسی

کاربرد بومی چه نقشی در بومی سازی توسعه ی روستایی و توانمندسازی روستایان دارد؟ توسعه روستایی یک فرآیند چند جانبه است؛ بدین معنی که وقتی وارد روستا می شود ابعاد مختلف حیات اجتماعی را متأثر می کند. توسعه ی روستایی برای مردمانی اجرا می

شود که به طور مستقیم درگیر اهداف آن می‌شوند و با نتایج و مسائل آن مواجه می‌شوند. بنابراین می‌بایست دانستنی‌های اجتماع روستایی نیز در آن گنجانده شود. غالباً برنامه‌های توسعه‌ای که در سطح روستا اجرا می‌شود مرکز محور است؛ یعنی برنامه‌ها در خارج از روستا و توسط کارشناسان بیرونی تهیه، بررسی و برای اجرا به روستا آورده می‌شود. این رویکرد توسعه‌ی برون‌زا که گاه توسعه‌ی از بالا به پایین، از مرکز به پیرامون و از شهر به روستا نامیده می‌شود، موجب شده که روستاییان صرفاً دریافت‌کننده و همیشه چشم انتظار دریافت خدمات از بیرون باشند. اما زمان آن فرا رسیده است که رویکردهای توسعه به توسعه‌ی درون‌زا تغییر یابد. رویکردی که در آن توسعه از پایین به بالا است و برای مردم و به وسیله و با مشارکت آنان به دست می‌آید.

بدیهی است که با ارزش‌ترین دارایی یک جامعه، همانا انسان با تمام قابلیت‌هایش است. نقش نیروی انسانی در تحقق توسعه غیر قابل انکار است. در واقع سرمایه‌ی انسانی در قالب مهارت‌ها و تجارب یک قوم متجلی می‌شود و این مجموعه‌ی با ارزش دانش‌ها وسیله‌ای برای رویارویی با مشکلات پیش روی زندگی است. دانش بومی نیز برخاسته از یک جامعه‌ی انسانی در طول زمان است و با فرهنگ یک قوم عجین شده است. سالیان درازی است که این دانش علیرغم در حاشیه ماندن، خود را حفظ کرده و همچنان در پیشبرد زندگی بشری نقش تسهیل‌کننده را ایفا می‌کند.

اگر بومی‌سازی را استفاده آگاهانه از الگوها، روش‌ها و فنون توسعه و تطابق آن با شرایط جامعه‌ی بومی در کنار به روز کردن و تقویت تکنیک‌ها و روش‌های بومی یا همان پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط بومی بدانیم، چنین راهبردی می‌تواند به توانمندسازی و مشارکت مردم در جریان توسعه و شکل‌گیری یک جریان توسعه‌ی درون‌زا، متکی به خود و پایدار منجر شود [۹].

مؤثرترین راهکار برای بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی، شناسایی و کاربرد عملی دانش بومی است که از ارزش، نگرش، عقاید و اجماع جمعی یک قوم حکایت می‌کند. زیرا در طی این فرآیند است که به یک اجتماع بها داده می‌شود، دانش آن مورد احترام قرار می‌گیرد. ضمن این که بومی‌سازی موجب کاهش هزینه‌ها شده و میوه‌ی توسعه را در درازمدت به بار می‌نشانند. بومی‌سازی در مفهوم وسیع آن، صرفاً استفاده‌ی مادی را شامل نمی‌شود؛ بلکه به معنای بهره‌گیری از منابع محلی اعم از مادی و غیر مادی است. چه بسا ممکن است که در طرح ریزی توسعه توجه به فرهنگ غالب و ارزش‌های یک

جامعه فرآیند توسعه را تسهیل کند. اما علی رغم این حقیقت، توسعه ی مبتنی بر قابلیت های محیطی چنان که باید هنوز در دیدگاه های توسعه ی ریشه نگرفته است. از موانع بومی سازی توسعه روستایی باید اشاره کرد به :

- سلطه ی رویکرد توسعه ی برون زا؛
 - نادیده گرفتن منابع محلی؛
 - عدم ارتباط متقابل میان روستاییان و کارشناسان؛
 - به حاشیه راندن قشرهای محروم روستایی؛
 - تمرکزگرایی که شامل:
 - تمرکز دانش و فن کارگزاران توسعه؛
 - تمرکز برنامه های از پیش ساخته که شیوه ی مسلط در برنامه ریزی ها است؛
 - تمرکز تصمیم گیری، نظارت و اجرا از سوی بیرونی ها.
- اگر کارشناسان توسعه به این امر واقف شوند که اساس و اصول توسعه باید برخاسته از محیط اجتماعی - فرهنگی یک جامعه باشد، در آن صورت توسعه ی بومی - محلی قابلیت اجرا پیدا می کند. پس بومی سازی توسعه روستایی طی چند فرآیند حاصل می شود:
۱. پذیرش اصل تنوع در توسعه: توسعه، صرفاً یک فرایند بیرونی نیست بلکه زمینه های درونی یک جامعه نی باید مدنظر قرار گیرند.
 ۲. ترکیب منابع وارداتی با منابع بومی و محلی: صرفاً روش های وارداتی اعمال نشوند بلکه شیوه های محلی نیز شناسایی و تقویت شوند.
 ۳. پذیرش اصل مشارکت همگانی: ضمن این که بومیان بهره برداران نهایی هستند، مشارکت آنان نیز برانگیخته شود، فراخواندن آنان با تمام دانستنی هایشان در سایه ی تعامل با مردم محلی، مشارکت واقعی، روحیه ی خود اتکایی در روستاییان را افزایش می دهد.
 ۴. تمرکززدایی: که موجب ارتقای ابتکار عمل، مسئولیت پذیری و تقویت استقلال محلی می شود.

۵. یادگیری معکوس^{۱۲}: این اصل را رابرت جمبرز (۱۳۹۶) بیان کرده است که طی برقراری تعامل و گفتگو میان مصلحان توسعه و مردم روستایی، مصلحان و کارشناسان توسعه از مردم روستایی می آموزند. وارون کردن جریان یادگیری، فراگرفتن مستقیم از مردم روستایی و دنیا را از چشم یک روستایی دین مدنظر است.

اعضای اجتماع محلی به ویژه پیران و سالخوردگان، بهترین منبع برای دستیابی به دانش بومی هستند. هم چنین فولکور، رسوم، آواها، شعر که به میزان زیادی ارزش ها و تاریخ و رویه ی یک قوم را آشکار می کند. کارگزاران توسعه به چند طریق می‌توانند به تجارب بومیان دست یابند:

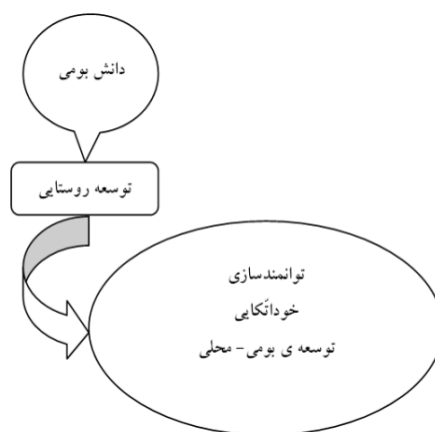
۱. نشستن با حوصله و فروتنی در کنار یک روستایی و گوش کردن به صحبت های او همراه با احترام همان گونه که یک شاگرد به استادش احترام می گذارد.
۲. یادگیری از فقرا: اغلب افراد فقیر را افرادی نادان می پندارند و یادگیری از آن ها به ندرت جزیی از برنامه های فقرزدایی محسوب می شود. اما این امر یک راه کلیدی برای توانمند ساختن فقرا برای بهبود مشکلات زندگی شان است.
۳. به کارگیری دانش بومی روستاییان: روستاییان دانشی دارند که مصلحان روستایی فاقد آنند. برای دستیابی به دانش بومی روستاییان چند راه وجود دارد:
الف. گردآوری فرهنگ لغات و اصطلاحات بومی؛
ب. شرکت در بازی های محلی؛
ج. کار همراه با روستاییان در فعالیت و مشاهده مشارکتی؛
د. اگر فرد بتواند خود را به جای روستاییان فقیر بگذارد می تواند دنیای فقرا را درک کند. شبیه سازی یکی از شیوه هایی است که می توان زندگی و مشکلات فقرا را درک کرد [۵].

از نتایج بومی سازی توسعه ی روستایی در قالب کاربرد دانش بومی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بومی شدن و محلی شدن فرآیند توسعه چون از منابع و امکانات بومی هر منطقه استفاده می شود.
- احیا و تقویت دانش و مهارت های بومی و ذخیره و جمع آوری گنجینه ای از آن ها.
- تسهیم مردم بومی در قدرت و در نتیجه توانمندسازی آنان که به معنای دادن اختیار امور به مردم است.
- کاهش هزینه های مالی توسعه چون دانش بومی کاربر است تا سرمایه بر .
- گسترش خدمات حاصل از توسعه و بهره مندی تمام قشرهای روستایی .
- مولّد ساختن جامعه ی روستایی که به سوی خودکفایی گام بر می دارد.

– و در نهایت توسعه ی درون زا، متکی به خود و تحقق توسعه ی همه جانبه محلی. آنچه در مورد توسعه و بومی سازی صدق می کند این است که توسعه ی مبتنی بر بومی سازی و متکی بر دانش بومی به توانمندسازی جامعه و توان بخشی اجتماعی کمک می کند. با توجه به جابجایی در مؤلفه های قدرت و این که امروزه قدرت و توانایی براساس دانایی تعریف می شود و نظام های دانش، نظام های قدرت و سلطه خوانده می شوند. این ارتباط دانش و قدرت در رابطه ی توسعه ی بومی و غیر بومی نیز مطرح است و دانش بومی نیز می تواند بخشی از این توانایی به حساب آید. توسعه گران و بومیان با شناخت و درک تعاریف مشترک و متفاوتشان از مشکلات و اولویت ها، به راه حل های مؤثرتری دست خواهند یافت. استفاده از راه حل های بومی در چنین فضایی که مشوق هم فکری و همیاری است، مجال کارایی بیش تری پیدا خواهد کرد. بنابراین برای دستیابی به راه های مؤثرتر توسعه نباید از تجربه ها و توانایی های دانش بومی جامعه ی محلی در جهت بومی سازی الگوی توسعه غفلت کرد. اما کافی نیست که مجریان توسعه تنها به ضرورت دانش بومی در جریان توسعه آگاه باشند، بلکه گام بعدی درک انواع مختلف دانش بومی، چگونگی حفظ و انتقال آن به نسل های آینده و نحوه ی به کارگیری آن در تحول و توسعه ی جامعه است [۱۴].

تراپ^{۱۸}: معتقد است که برای کمک به جوامع فقیر، روستایی و بومی کشورهای در حال توسعه پرداختن به دانش بومی و احیا و رشد دانش بومی مناسب و کارآمد، قدم بزرگی در توان بخشی محرومان است. با توانمندی بیشتر اهالی، در آینده ناظر پذیرش و کاربرد سنجیده و مناسب بخشی از فناوری های غیر بومی خواهیم بود [۲۲]. توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند و بر ناتوانی و یا درماندگی خود چیره شوند. در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه های درونی آنان را برای انجام وظیفه بسیج کنیم [۱۳]. از نظر فرد توانمند کار نشدنی وجود ندارد. برای توانمندسازی مردم روستایی به عنوان گروه های هدف که باید یکی از اهداف برنامه های توسعه ی روستایی باشد، آگاهی، آموزش و علاقه مند کردن بومیان لازم است. توسعه گران واقعی، مردم محلی هستند. با روی آوردن به دانش بومی به عنوان یک درون داد در توسعه ی روستایی به سوی یک جامعه برخوردار از توسعه ی یکپارچه قدم می گذاریم که به صورت ساده در نمودار زیر ترسیم شده است :



شکل ۱- توسعه روستایی و توسعه‌ی یکپارچه

۵- نتیجه‌گیری

فرآیند توسعه‌ی روستایی دستخوش تحول فکری عظیمی شده است. مفهوم دانش بومی به یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی روستایی درآمده است که با گنجانیدن آن در دیدگاه‌های توسعه، می‌توان به بسیج دانش پراکنده و متعدد توده‌ای از روستاییان دست یافت. توسعه‌ی روستایی به معنای کوشش و کنشی آگاهانه و نهادی و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت قشرهای مختلف روستایی اعم از فقرا و غیر فقرا و تواناسازی بخش روستایی در تسریع روند پیشرفت است که از طریق اعمالی چون توسعه‌ی بخش صنایع دستی، ایجاد تسهیلات و خدمات اجتماعی، گسترش تکنولوژی مناسب در روستاها و انجام فعالیت‌های آموزشی ترویجی متنوع و متناسب با ویژگی‌های جامعه‌ی مورد توجه، محقق می‌شود [۱۲]. توسعه‌ی روستایی با هدف بهبود کیفیت زندگی مردمان ساکن در اجتماعات روستایی پیاده می‌شود. در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی، توجه صاحب نظران توسعه متوجه جوامع روستایی است که از فرهنگ، دانش، مهارت، منابع غنی و متعددی برخوردارند و غالباً در برنامه‌های توسعه در حاشیه قرار داشته‌اند. کاربرد عملی دانش بومی نقش به‌سزایی در بومی‌سازی توسعه‌ی روستایی دارد. در زمینه‌ی تحقق این امر مهم می‌بایست تمام امکانات قابل دسترس را در خدمت شناسایی و تلفیق آن با

دانش رسمی و تکنولوژی به کار انداخت. در استراتژی های توسعه ی روستایی بر رشد تولیدات، استفاده ی بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه ی سرمایه، ایجاد فرصت های شغلی، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در اداره ی امور خود و نیز در راهبرد توسعه ی همه جانبه ی روستایی که کل گرایی از ویژگی مشترک آن با دانش بومی است بر ارتباط ارگانیک روستاها با سایر مناطق و بهره گیری از زمینه های بومی و سنتی در قالب تقویت ابتکارات محلی تأکید شده است. بنابراین دستیابی به این اهداف در سایه توجه به بسترهای فرهنگی و اجتماعی هر منطقه میسر می شود. بومی سازی توسعه ی روستایی برابر با رشد و توسعه است. آگاهی و مشارکت را می توان از اصول اساسی بومی سازی دانست و این آگاهی و مشارکت در وهله ی اول باید در عمل از سوی کارشناسان توسعه پذیرفته شود و سپس از سوی افراد محلی نیز به کار گرفته شود. بومی سازی به توسعه ی متکی به خود و توانبخشی اجتماع محلی می انجامد. توجه به دانش بومی ضمن این که به بومی سازی توسعه می انجامد، سبب مشارکت مردم می شود و توانایی های آنان را آشکار می کند.

توانمندسازی به معنای تفویض اختیار و قدرت تصمیم گیری به افراد در امور مربوط به خودشان است. توانمندسازی فرد را از منفعل بودن بیرون می آورد و آگاهانه به تلاش می پردازد. توانمندسازی در فرد اندیشه ی احساس مفید بودن، حق انتخاب داشتن، قدرت تأثیرگذاری، ارزشمند بودن و داشتن امنیت را تقویت می کند. همچنین باید از پیامدهای توانمندسازی به ایجاد و تقویت اعتماد به نفس در افراد و آگاه کردن آنان به این موضوع که مسئولیت سازندگی محیط زندگیشان بر عهده ی آنان است اشاره کرد.

توانمندسازی یکی از ثمرات بومی سازی توسعه ی روستایی است که با مشارکت واقعی مردم میسر می شود، به گونه ای که میان اهداف توسعه ای و مشارکت روستاییان رابطه ی تنگاتنگی وجود دارد. توسعه ی روستایی حاصل نمی شود مگر با توانمندسای روستاییان به منظور بهبود کیفیت زندگیشان. ساز و کارهایی مثل برنامه ریزی در راستای آگاهی دادن به افراد محلی، سازماندهی منابع محلی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی، به کارگیری تجربیات و اندوخته ها، مشارکت واقعی و تقویت اختیار بهره گیری از منابع در اختیارشان راهکارهایی هستند تا بدین وسیله افراد محلی بتوانند به توسعه ای برسند که با محیط اجتماعی - فرهنگی آنها سازگار باشد. پس توجه به دانش بومی و کاربرد عملی آن مساوی است با توسعه ی محلی و توانبخشی جامعه ی محلی.

توضیحات

1. Indegenous Knowledge
2. Warburtor
3. Martin
4. Rural Development
5. Copp
6. Empowerment
7. Spreitzer
8. Mishra
9. Self Efficacy
10. Senes of Competence
11. Persona Mastery
12. Self Determination
13. Personal Consequence
14. Meaning
15. Trust
16. Fairly
17. Reversal Learning
18. Thrupp

مرجع‌ها

- [۱] ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه ی روستایی با تأکید بر جامعه ی روستایی ایران، نشر نی، تهران.
- [۲] افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۴). تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه ی پایدار روستایی، آمایش فضا و ژئوماتیک، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۷-۴۵.
- [۳] بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۹۲). جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی پایدار، نشریه ی جغرافیا و توسعه، دوره ۱، شماره پیاپی ۲، صص ۵-۲۰.
- [۴] پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۹۱). طراحی تلفیقی دانش بومی و رسمی به منظور دستیابی به رسانه ای مشارکتی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- [۵] چمبرز، رابرت (۱۳۹۶). توسعه ی روستایی اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب پذیر)، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۶] چمبرز، رابرت (۱۳۹۱) چالش با حرفه ها؛ عرصه های چالش در توسعه روستایی، ترجمه علیرضا خرمایی، نشر ارغنون، تهران.
- [۷] دربان آستان، علیرضا؛ ازکیا، مصطفی (۱۳۹۳). روش های کاربردی تحقیق، جلد اول، چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران.
- [۸] رحمانپور، لقمان (۱۳۹۱). توانمندسازی: مفاهیم، ساختار و راهکارها، ماهنامه مدیریت، سال دوازدهم، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۱۴-۱۸.
- [۹] زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۱). توسعه و نابرابری، چاپ هفتم، انتشارات مازیار، تهران.
- [۱۰] سازمان ملل متحد برنامه محیط زیست UNEP (۱۳۹۲). دانش بومی مدیریت بلایای طبیعی در آفریقا، ترجمه جلال یوسفی، چاپ اول، کتاب اول، تهران.
- [۱۱] صنعتی، زینب (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین آموزش های ضمن خدمت و توانمندسازی کارکنان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۱۲] طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۹۵). جامعه شناسی روستایی؛ ابعاد تغییر و توسعه در جامعه ی روستایی ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- [۱۳] عباسی، سعید؛ کرد، باقر (۱۳۸۸). شناسایی و تبیین مدل توانمندسازی کارکنان در سازمان های دولتی ایران؛ مطالعه ی موردی استان یزد، فصلنامه ی پژوهش های مدیریت، سال ۲، شماره ۳، صص ۷۵-۹۴.
- [۱۴] عمادی، محمدحسین؛ عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸). حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه ی پایدار، جلد اول، وزارت جهاد سازندگی، آموزش و ترویج، معاونت امور دام، تهران.
- [۱۵] وتن دیوید ای.؛ کمرون، کیم اس. (۱۳۹۳). تواناسازی کارکنان و تفویض اختیار، ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی، چاپ دوم، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، کرج.
- [۱۶] وردی نژاد، فریدون؛ میرزایی، محمدامین؛ زمانی فر، محسن (۱۳۸۷). توانمندسازی، پردیس قم، سایت www.verdinejad.com.

- [17] Flavier, J.M., Navarro, C.S. and Warren, D.M. (1995). The Regional Program for the Promotion of Indigenous Knowledge in Asia. In: Warren, D.M., Slikkerveer, L.J. and Brokensha, D., Eds., *The Cultural Dimension of Development: Indigenous Knowledge Systems*, Intermediate Technology Publications, London, 479-487.
- [18] Geertz, C. (2018). *Local knowledge: Further Essays in Interpretive Anthropology*, Basic Books, New York.
- [19] Kelkar, M. (2017). Local Knowledge and Natural Resource Management: A Gender Perspective, *Indian Journal of Gender Studies*, 14(2), 295-306.
- [20] Meta, S.R. (2017). *Rural Development Policies and Programs: a sociological perspective*, New Delhi, Beverly Hills: Sage Publications, London.
- [21] Sigler, H., and Pearson, C.M. (2018). Creating an Empowerment Culture: Examine the Relationship between Organizational Culture and Perception of Empowerment, *Journal of Quarterly Management*, 5, 27-52.
- [22] Thrupp, L.A. (2019). Legitimizing local knowledge: Scientized packages or empowerment for third world people, In D.Micheal Warren et al, Iowa state university research foundation.
- [23] Warren, D.M. (2019). Using Indigenous Knowledge in Agricultural Development, World Bank Discussion Paper No.127. The World Bank, Washington, D.C..
- [24] Warren, D.M. (2019). The Role of Indigenous Knowledge in Facilitating the Agricultural Extension Process. Paper presented at International Workshop on Agricultural

Knowledge Systems and the Role of Extension. Bad Boll,
Germany, May 21-24.

سهیلا مناجاتی

کارشناس ارشد شبکه‌های کامپیوتری و امنیت
اصفهان، شرکت ملی گاز ایران، منطقه دو عملیات انتقال گاز.
رایانشانی: soheilamanajati@gmail.com

سیدناصر حسین واعظ

کارشناس ارشد شبکه‌های کامپیوتری و امنیت
اصفهان، شرکت ملی گاز ایران، منطقه دو عملیات انتقال گاز.
رایانشانی: naserhoseinvaez734@gmail.com